

## نگاه

**استقلال، قله نفوذپذیر**

حمیدرضا عرب

استقلال در هیچ دوره لیگ برتر بدون داشتن خط دفاعی منسجم قهرمان نشده است؛ نه استقلال و نه دیگر تیم‌هایی که قهرمانی‌هایی را به نام خود ثبت کرده‌اند. در واقع رسیدن به جام قهرمانی همواره مستلزم داشتن دفاعی منسجم است و عناصر مدافع و دروازه‌بان باید در بهترین فرم فنی خود قرار داشته باشند تا یک تیم به شکوه و عظمت دست یابد.

باید واقع‌بین بود که قهرمانی‌های اخیر سرخ‌ها در لیگ برتر هرگز به دست نیامد مگر با داشتن دفاعی هماهنگ. سپاهان نیز در سال‌هایی که در فوتبال ایران آقای می‌کرد، از خط دفاعی منسجم و کم‌اشتباه برخوردار بود. چنانچه بخواهیم دلایل قهرمانی استقلال خوزستان در فصل سیزدهم را ارزیابی کنیم باز هم به خط دفاعی کم‌نقص این تیم برمی‌خوریم که اسباب قهرمانی تیم منحل‌شده اهواز را فراهم کرد.

نسب قهرمانی‌ها در لیگ برتر در واقع ارتباط مستقیم داشته با وضعیت دفاعی تیم‌ها و در کنار آن داشتن خط آتشی پرکار که استقلال در فصل جاری از آن بهره‌مند بود، اما آنچه آبی‌ها را از دستیابی به جام محروم کرد ضعف‌های دفاعی است.

استقلال در فصلی که یک بازی به پائین باقی مانده با اینکه عناصر هجومی‌اش در صدر بهترین‌های لیگ قرار دارند اما در بخش دفاعی بسیار متزلزل عمل کرده و عوامل متعددی سبب شده این تیم تا همین هفته بیست‌ونهم آمار خوب ۳۰ گل زورده را از خود بر جا بگذارد که اگر خوشبینانه بنگریم و این تیم در بازی آخر هم دروازه خود را بسته نگه دارد، باز هم میانگین یک گل خورده در هر بازی برای این تیم قطعی است.

علکرد دفاعی استقلال از همان هفته‌های آغازین که استراماچونی روی نیمکت آبی‌ها بود نشان از ضعف‌های آشکار و پنهان داشت که هرچه به میانه‌های لیگ رسیدیم این وضعیت مخاطره‌آمیز در شکل بازی استقلال بیشتر نمود پیدا کرد.

در همین بازی با پیکان شاهد رقم خوردن گلی به سود میهمان بودیم که اوج ناهماهنگی در خط دفاع دیده شد و در حالی که مغاللو و امامعلی در میان ۳ مدافع استقلال بودند کاری از دست آنها برنیامد و آبی‌ها این جنگ ۳ به ۲ را برعزم داشتن نفرات بیشتر باختند تا مهاجم میانه‌قد پیکان از خلق به‌وجودآمده بهره گیرد و دروازه استقلال را باز کند.

در خلق این گل، شگفت‌آور بود که روزبه چشمی اقدام به مهاجم باز خودی (یزدانی) کرد و دانشگر نیز در اوج بی‌مسئولیتی تنها نظاره‌گر پرش نه‌چندان بلند امامعلی بود.

علاوه بر ضعف‌های فردی که نمونه‌اش را مقابل پیکان دیدیم، تغییرات بی‌درپی تاکتیکی و جای‌جایی نفرات موجب کاهش اثرگذاری دفاع استقلال شده و در کنارش نوسانات گاه‌وبیگاه حسینی نیز مزید بر علت بوده تا استقلال یکی از سال‌های پرفرانتد دفاعی خود را تجربه کند. استقلال گاهی در لیگ با چهار دفاع ظاهر شد و گاهی با سه دفاع که بازی با سه دفاع متمرکز بیشتر در زمان استراماچونی انجام شد.

این تغییرات در شکل به‌کارگیری بازیکنان یقیناً سهمی در به وجود آمدن ناهماهنگی‌ها داشته چراکه منجر به برهم خوردن نظم فکری بازیکنان هم می‌شود اما در این میان نیز باید توجه ویژه‌ای به غیبت‌های سریالی بازیکنان داشت که خود در چنین مریبان اثرگذار بود و شاید اگر بی‌درپی شاهد مصدومیت‌ها و محرومیت‌های چهار عنصر اصلی دفاعی (دانشگر، چشمی، یزدانی و غلامی) نبودیم تعداد گل‌های خورده استقلال به طرز قابل توجهی کاهش می‌یافت. بی‌شک یزدانی بارها به‌دلیل مصدومیت خط دفاع استقلال را تنها گذاشت. عارف غلامی نیز بارها به همین دلیل از ترکیب دور ماند هرچند این بازیکن اصولاً به‌لحاظ فنی در قد و قواره تیم بزرگی همچون استقلال هم نیست و از همان ابتدا بر سر جذبش حرف و حدیث‌های بسیاری بود. چشمی هم بیشتر یک هافبک دفاعی محسوب می‌شود تا مدافعی بی‌نقص و در همین بازی با پیکان او به دفاعت دچار اشتباه شد و شاید بازی گرفتن از او در خط دفاع بیشتر به جهت راهی‌ا از ترافیک هافبک دفاعی‌ها بود.

محمد دانشگر نیز با انبوهی از حواشی در استقلال روزگار گذرانده که نتیجه رفتارش شده اخراج؛ یقیناً با این طیف از مدافعان همواره مصدوم و گاهاً پرحاشیه اساساً نمی‌شد دفاع آنچنان بی‌نقصی ساخت.

مریبان استقلال نیز در این ایام نتوانستند رویه مدافعان خود را متحول کنند تا کار به نقطه‌ای برسد که استقلال در سال‌های اخیر یکی از ضعیف‌ترین بیلان‌های کاری خود در بخش دفاعی را ثبت کند و ۳۰ گل خورده را مقابل نامش ببیند. همچنین استقلال در ۲۹ بازی تنها ۷ بار توانسته دروازه‌اش را بسته نگه دارد (کلین شیت کند).

بدون شک مریبان استقلال برای فصل بعد باید تمام نیروی خود را معطوف به ترمیم این نقطه کنند.لازم است استقلال از جذب مدافعانی با عملکرد متوسط خود را رها کرده و برود سراغ مدافعانی که در سطح عالی قرار دارند چراکه با این طیف در آینده نیز همین آش است و همین کاسه و استقلال بعید است به نقطه روشنی دست یابد. البته در افت نسبی حسینی فندان یک الزناتیو جدی هم موثر است که باشگاه استقلال باید در راستای دروازه بانی مدعی نیز قدم هایی بردارد تا شاید رقابت در چاچوب دروازه منجر به کاهش تعداد گل های خورده شود.

# چیزهایی که درباره پرونده ویلموتس نمی‌دانید

**سعید اکبری**

دوشنبه ۲۷ مرداد سال ۱۳۹۹ در تاریخ فدراسیون فوتبال ثبت شد، روزی که مسئولان از همه جا بی‌خبر! وسایل خود را جمع و جور می‌کردند تا به خانه بروند ولی در چشم به هم زدنی دچار شوکی شدید شدند. کمیته تعیین وضعیت فیفا رای اولیه پرونده مارک ویلموتس را اعلام کرد و طبق آن، فدراسیون فوتبال محکوم به پرداخت ۶ میلیون و ۱۳۷ هزار و ۵۰۰ یورو به این مربی شد. اما بد نیست چند نکته مهم را در گِیرو دار آواری که بر سر فدراسیون خراب شده، برایتان بازگو کنیم.

اول؛ رای قبل از آنکه به دست فدراسیون فوتبال برسد، به دست خبرنگاران رسید. این یک ضعف بزرگ است، شاید بتوان تغییر دیگری هم برایش داشت؛ قدرت و نفوذ خبرنگاران. تصور می‌کنیم بیش از اینکه فدراسیون باید در این باره به رسانه‌ها پاسخگو باشد، «لودویک دلشات» وکیل سوئیسی پرونده باید به فدراسیون توضیح دهد چون او اولین کسی بوده که رای را گرفته است.

دوم؛ فدراسیون از روز اول در این پرونده گیج و گنگ بود. درست مثل تمام لحظات حساس که توپ با بیرون می‌زنیم، این بار هم به جای تمرکز، بیشتر به فکر پارکنی و شاد کردن دل این و آن بودیم. چرا؟ به دلایلی که عرض می‌کنیم. ابتدا تصمیم گیری می‌شود سه وکیل زنده ایرانی که هر کدام برای خود رزومه درخشانی دارند، وکلای پرونده باشند. تصمیم گیری صورت می‌گیرد و تیم سه نفره برای اسنارت آماده می‌شوند. چند روز بعد اما روسا در فدراسیون تصمیم خود را وِتو می‌کنند و با چند جلسه و چند تماس، دو وکیل را حذف و یک وکیل جوان را جایگزین می‌کنند. این مسئله جنگلی داخلی به راه می‌اندازد. در ادامه اما اتفاقات عجیب تر می‌افتد. در ماجرای تنظیم لایحه دفاعی ابتدا یک تصمیم می‌گیرند و سپس بدون مشورت جمعی، یک تصمیم دیگر، دو سه روز بعد هم انکار که انشاء نوشته اند، دو خط به او اول و دو خط به آخر لایحه اضافه می‌کنند و این می‌شود دفاعیه ایران! سوم؛ تاج که عامل انتخاب ویلموتس بوده و نگفته پیداست همین حالا پشیمان است، به عنوان کسی که تصور می‌کرد اول مهاجم است، طرد می‌شود. به این شکل که وکیلی خارجی معرفی



می‌کند و می‌گوید او بهترین است. فدراسیون اما سر وقت «لودویک دلشات» می‌رود که نزویی آن اتهامات سنگین را علیه‌اش زده بود. حتماً یادتان هستن، اینکه با خارجی‌ها علیه ایرانی‌ها مراده می‌کند. بماند که مدرک مستندی رو نکرد و ما هم تنها به آن اشاره

می‌کنیم. تاج حتی مخالف انتخاب حداقل یکی از دو وکلای ایرانی پرونده بوده اما بهاروند به او ثابت می‌کند حالا «لیوان» دست چه کسی است.

چهارم؛ فدراسیون تصمیم گرفته تا پرونده را به دادگاه عالی ورزش ببرد. با این دست فرمانی که آنها داشته‌اند خوب می‌دانیم در آنجا هم چه سرنوشتی رقم می‌خورد. با این وجود، هنوز دیر نیست، فدراسیون نیاز به یک خرد جمعی دارد. شوخی نیست. پولی که محکوم به پرداختش شده‌ایم، بودجه چند سال فدراسیون است. می‌تواند ساختمان برزق و برق فوتبال را ویران کند. بنابراین، مسئولان فدراسیون یک بار کار را به کاردن بسپارند و با یک تماس و یک چاکرک، با سرنوشت فوتبال بازی نکنند.

**در انتظار مجازات مقصران فاجعه ویلموتس**

روز گذشته حکم فدا در خصوص پرونده شکایت مارک ویلموتس سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال فدراسیون ایران صادر شد، حکمی عیب و البته سنگین که می‌تواند تا سال‌های طولانی در یاد همه اهالی ورزش

# لیگ یک؛ محلی برای جستجوی آرزوها

می‌شود امثال فرهادکاظمی، اکبرمیناقیان، مجتبی حسینی،محسن عاشوری،

رسول خطیبی، علی نظر محمدی، امید روانخواه، رضا عنایتی و دیگر نام هایی که خود روزگاری دراین فوتبال یا در کسوت بازیکن بوده‌اند و حالا به جرگه مریبان پیوسته‌اند و در آغاز راه هستند و یا در مریبگری در سطح بالاتر فوتبال برو بیایی داشتند و هم اکنون هم در حال فعالیت در این مسابقات هستند .

هرچند در انتخاب مریبان و نحوه آن حرف و حدیث زیاد هست و اینکه در فوتبال هیجوتفک نام و اسامی و عقبه فوتبالی در زمین حرف اول را نمی‌زده و نمی‌زند اما بدین این اسامی می‌توان به بالا بودن حداقل تجربه در سطح نیمکت ها و کادر فنی اشاره داشت به خصوص که اسامی بعضی از این مریبان را روزگاری تریلی یاد نمی‌کشید.

حالا شما اضافه کنید نام تیم هایی مانند پاداران، آرمان گهر سیرجان،

گل ریحان البرز،قشقای را که هرچند هیچ گاه تجربه لیگ برتری شدن را مانند تیم های یاد شده در بالا نداشته‌اند اما بدلیل حضور مکرر و پیاپی در لیگ یک خود را همیشه در حد مدعی صعود معرفی می‌کنند ضمن اینکه از نام تیم هایی چون خوشه طلایی ساوه، هوادار تهران و علم ادب تبریز و رایکای بابل هم نمی‌توان بی تفاوت گذشت بخصوص که خوشه طلایی ساوه تقریبا تا یکی دو هفته پایانی جزو مدعیان بود و رایکای بابل جزو کاندیدای های سقوط به لیگ دو، همین مساله نشان از دشواری فوتبال و فرار و نشیب های آن در این لیگ دارد.

در مورد لیگ یک اضافه این نکته حائز اهمیت هست که نسبت سطح لیگ برتر مظلوم تر واقع میشود چه از نظر پوشش رسانه ای مسابقات و حواشی آن و چه از بعد فنی و فوتبالی داخل زمین.

مسابقات با حضور چنین تیم هایی شاید چیزی نزدیک به لیگ برتری با حتی در باره ای از موارد هم سطح آن باشد که کمتر مورد استقبال عموم قرار می‌گیرد و بیشتر خواص فوتبالی از آن استقبال می‌کنند ، هرچند اصولا در شهرهای مختلف تیم های مختلف هم بر اساس همان حس ناسیونالیستی طرفداران زیادی برای خود دست و پا کرده‌اند .

**پشتیبان لیگ برتر**

لیگ یک در یک نگاه می‌تواند پشتیبان لیگ برتر و حتی تیم ملی باشد چه بسا بسیاری از بازیکنان نسل جدید فوتبال ما که در حال حاضر ستاره شده‌اند روزگاری در این سطح فوتبال آرزوهای خود را جستجو می‌کردند. برای نمونه در همین تیم پرسپولیس که حالا چهارمین قهرمانی خود را جشن گرفته از مهدی طارمی که حالا در حال آقایی در فوتبال برتغال می‌باشد تا احمد نوراللهی که در حال حاضر یکی از کاپیتان های تیم هست و وحید امیری که او نیز جزو موثرترین بازیکنان هست و تا جام جهانی و لیگ های اروپایی هموار کننده است. این اسامی نشانی از خورار بازیکن سازی لیگ یک برای فوتبال ما هست و بوده چه بسا در تیم های مختلف هم چنین بازیکنانی به ایم سبک حضور داشته و دارند .

در مورد مریبان حاضر در این مسابقات هم نام های بسیار مطرحی دیده

# چیزهایی که درباره پرونده ویلموتس نمی‌دانید

بتوانند با دفاعیات بهتر این محکومیت را بازگردانند، البته این فقط یک فرض و احتمال است و با توجه به سابقه شکایت‌های ایران در CAS نباید حساب زیادی روی آن باز کرد و فقط می‌توان کورسوی امیدی به آن داشت تا حداقل چند ده میلیارد از کل مبلغ جریمه کاسته شود.

طبیعتاً و همانطور که انتظار می‌رفت بعد از صدور این حکم «کی بود کی بود، من نبودم»‌ها آغاز شده است. در ادامه پاسکاری مداوم بین نهاده‌ا و مسئولان تا جایی که در آخر یکی توپ را لو بدهد و مقصر اصلی شناخته شود. مسئله طبیعی این است که حتی اگر ما امید زیادی به برگرداندن این حکم CAS داشته باشیم، باز هم دلیل بر آن نمی‌شود که مقصران اصلی و البته واقعی این جریان شناسایی و معرفی نشوند.

نهادهای نظارتی و بازرسی مدتی است که روی این قرارداد کارشان را آغاز کرده‌اند تا با روشن شدن موضوع با مقصران و متخلفان برخورد کنند. مسئله مشخص این است که حق فوتبال ایران خواهد بود که عوامل جریمه ۱۷۰ میلیارد تومانی را بشناسد. افرادی

احتمالاً طبق یک برنامه مشخص «یک مبلغ مشخص» را در قرارداد ویلموتس آورده‌اند و یا اینکه از روی ناآگاهی و بی‌سوادی مرتکب این اشتباه بزرگ شده‌اند. تفاوت این دو خیلی مهم است و باید حتما مشخص شود. مسئله مهم دیگر این است که انتظار می‌رود در روند رسیدگی به این پرونده با مقصران به صورت علنی و با اشد مجازات برخورد شود تا ویلموتس و پرونده‌اش درس عبرتی برای دیگران باشد.

فوتبال ایران مدتی است با سپرست اداره می‌شود و این امید می‌رود که در انتخابات پیش رو افرادی بر مسند اداره فدراسیون و تشکیلات فوتبال ایران بنشینند که از سلفح بالاتری در مدیریت برخوردار باشند و حداقل سواد بالاتری در حوزه فوتبال و مسائل حقوقی داشته باشند و البته اینکه برای امضای قراردادهای میلیون یورویی سرخود عمل نکنند و با افراد صاحب‌نظر مشورت کامل و جامع کنند، مدیرانی که به کوچک‌ترین مسائل هم اهمیت می‌دهند، مثل واژه‌های ریز داخل یک پرتناژ!

حال گزینه شکایت ایران به دادگاه عالی ورزش (CAS) باقی می‌ماند که شاید تیم حقوقی این پرونده

موفق شد ریتم را پیدا کند و کم کم داشت سوار بازی می‌شد. در بی همین اتفاق پرسپولیس اولین موقعیت جدی بازی را هم با سانتز خوب شیری و ضربه سر خطرناک علیپور خلق کرد اما اخراج کمال همه چیز را به هم ریخت.

هر چند کادر فنی و بازیکنان پرسپولیس معتقدند سیدعلی سختگیری کرده اما یک طرف قضیه هم کمال کامیابنیاست. بازیکنی که در پنجمین فصل حضورش در پرسپولیس با این همه تجربه همچنان با رفتارهای غیرمسئولانه باعث می‌شود تا تیمش لطمه بخورد. تکل مهار نشده

کمال جلوی چشم داور و اخراج او اتفاقی تکراری و تلخ برای کادر فنی و دوستداران پرسپولیس است که بار دیگر نشان داد کامیابنییا بازیکن وظیفه شناسی نیست و باید در رفتارش تجدید نظر کند.

## یادداشت

**کمال علیه پیروزی؛ رادو دشمن کامبک!**

پرسپولیس روی چمن هبوط ورزشگاه سیرجان و در مسابقه‌ای که آسوده‌خاطر به نظر می‌رسید با همان ترکیب اصلی به میدان رفت اما برای اولین بار از یک سیستم تازه استفاده برد. یحیی تیمش را با سه مدافع مرکزی، دو مدافع کناری که بالا بازی می‌کردند، دو هافبک میانی، دو هافبک تهاجمی و یک مهاجم نوک به زمین فرستاد.

در واقع می‌توان گفت ۱-۲-۳-۴ شروع کرد و این توضیح که سیدجلال روی دشتش شجاع و کنعانی را داشت البته قرار نبود به این زنجیره سه نفره عمق بدهد، شیری و نادری در راست و چپ بالاتر بازی می‌کردند و باید از خط نیمه به جلو می‌رفتند و در امتداد نوراللهی و کمال یک زنجیره تشکیل می‌دادند.

مقابل این زوج ترایی و نعمتی بازی کردند که آزاد بودند به کنارها و مرکز بیابند و حتی تو بزنند و موقعیت ایجاد کنند. نوک پیکان تیم هم علی علیپور بود که این بار نه همنشهری‌اش عبیدی را کنار خود می‌دید نه یکی از هافبک‌ها کنارش قرار گرفتند. این سیستم برای بازی دربی تست شد اما با دو گلی که دریافت شد بخصوص گل دوم این سیستم رتد شده و به نظر می‌رسد یحیی برای بازی با استقلال به همان ۲-۳-۴ همیشگی برگردد.

**مسئولیت شناسی کمال ریتم را خراب کرد**

بعد از ۶-۷ دقیقه پرسپولیس در زمین حریفی که خوب پرس می‌کرد و با انگیزه نشان می‌داد موفق شد ریتم را پیدا کند و کم کم داشت سوار بازی می‌شد. در بی همین اتفاق پرسپولیس اولین موقعیت جدی بازی را هم با سانتز خوب شیری و ضربه سر خطرناک علیپور خلق کرد اما اخراج کمال همه چیز را به هم ریخت.

هر چند کادر فنی و بازیکنان پرسپولیس معتقدند سیدعلی سختگیری کرده اما یک طرف قضیه هم کمال کامیابنیاست. بازیکنی که در پنجمین فصل حضورش در پرسپولیس با این همه تجربه همچنان با رفتارهای غیرمسئولانه باعث می‌شود تا تیمش لطمه بخورد. تکل مهار نشده کمال جلوی چشم داور و اخراج او اتفاقی تکراری و تلخ برای کادر فنی و دوستداران پرسپولیس است که بار دیگر نشان داد کامیابنییا بازیکن وظیفه شناسی نیست و باید در رفتارش تجدید نظر کند.

**رادو خروج بلد نیست**

رادوشویچ در بازی با ذوب‌آهن نشان داد همچنان یک مشکل اساسی دارد و با اینکه شوتگیر خوبی است و در واکنش‌های آنی خوب عل می‌کند اما در بحث مهم خروج مشکل اساسی دارد. رادو با همین اشتباه و خروج ناموفقش دوباره زمینه ساز گل خورده دیگری شد. مرور گل اول گل گهر نشان می‌دهد رادو ترسیده خروج کند و اشتباه محاسباتی نوراللهی و یارگیری نادرست کنعانی زادگان کاری کرده تا مدافع گلزن حریف خیلی راحت از زاویه‌های ناشنا دروازه پرسپولیس ا باز کند.

رادو در صحنه گل دوم میزبان هم کم تقصیری نداشت. هر چند همه نادری را می‌بینند که جا مانده و در کورس با گلزن حریف کم آورده اما در این صحنه اشتباه سیدجلال در عمق دادن به دفاع تیمش و عقب بازی کردن کاری کرد تا بازیکن سیرجان از خط آقساید فرار کند.

اما رادو هم اشتباه داشت چرا که باید در

آن صحنه حداقل روی خط شش قدم می‌ایستاد اما خروج نکرد و عقب ماند تا مقهور ضربه نهایی بازیکن گل گهر شود. ترس از خروج یا ایرادی که دروازه‌بان کروات پرسپولیس دارد در صحنه دیگری نیز به ضرر تیمش شد و کاری کرد تا کامبک رویایی شاگردان یحیی به باد برود. تنها در مورد نیروی زمینی و امید روانخواه هم با آن فوتبال با کیفیت و تیکی تاکایی و دوست داشتنی که بازی می‌کردند هم فقط می‌توان کلمه تاضف را بکار برد چراکه به نظر می‌رسد در تصمیم گیری های کلان این باشگاه نظامی اختلاف نظرهایی وجود داشته و دارد . و کلا روانخواه از بعد مریبگری از امنیت بالایی برخوردار نبوده و اگر لقب آسانسور لیگ دو به یک را به آنها اطلاق کنیم پر بیراه نباشد.

شهرداری تبریز اما روزگاری ضلع سوم فوتبال تبریز بود ، شهری که با تراکتور و ماشین سازی و شهرداری در فوتبال ایران فعالیت می‌کرد و اتفاقا با شهرداری یقه تیم های بزرگ را می‌گرفت حالا به فراموشی مغرط سپرده شده و اصلا کسی پیگیر آن هم نمی‌باشد . به نظر می‌رسد در حال حاضر بیشتر نگاه و همه غم فوتبال تبریز و مدیران آن معطوف تراکتور و نهایتا ماشین سازی شده و کلا تیم های دیگر و باسابقه تبریز اولوبتی برای مسئولین این شهر فوتبال خیز ندارند به آن پرداخته نمی‌شود.

# آگهی مزایده عمومی – کد آگهی ۴–۹۹



سازمان سیما،منظر و فضای سبز شهرداری کرج

سازمان سیما،منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج در نظر دارد مشخصات مندرج در جدول ذیل را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط به مدت سه سال شمسی واگذار نماید:			
ردیف	موضوع مزایده	قیمت پایه اجاره ماهانه ریال	آدرس
۱	عرصه مجاور بازار مهستان جهت راه اندازی پارکینگ روباز با مساحت تقریبی ۱۱۰۰	۶۵/۰۰۰/۰۰۰	کرج بلوار نبوت خیابان نیکو کار – رویروی پاساژ مهستان
۲	عرصه به متراژ تقریبی ۱۷۰ مترمربع جهت نصب وراه اندازی یک دستگاه یورو بانچی	۳/۰۰۰/۰۰۰	کرج – بلوار مولانا – ضلع جنوبی زمین بازی کودکان – پارک خانواده
۳	کافی شاپ به مساحت حدود ۸۰ مترمربع	۵۵/۰۰۰/۰۰۰	کرج – بلوار جمهوری شمالی – ساختمان ورودی پارک تنیس

۱-سپرده شرکت در مزایده به یکی از روشهای ذیل ارائه گردد:

- ضمانتنامه بانکی معادل مبلغ فوق ، که به مدت سه ماه اعتبار داشته و قابل تمدید باشد.

- واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب شماره ۰۱۲۱۰۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰ بانک شهر شعبه عظیمیه.

۲-برزدگان نفر اول و دوم مزایده هر گاه حاضر به انعقاد قرارداد نباشند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد .

۳-سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

۴-مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۵۰ ریال بابت هزینه خرید هر یک از اسناد مزایده به حساب شماره ۸۲۴۱۲۶۳۹۸-۷۰ بانک شهر شعبه عظیمیه واریز و واصل فیش واریزی به امورپیمانهای سازمان ارائه نمایند.

۵- متقاضیان جهت خرید اسناد مزایده از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز می‌توانند در ساعت ادارتی به امورقراردادهای سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج واقع – عظیمیه- ضلع شمالی میدان استقلال- طبقه اول دفتر امور پیمانها مراجعه و یا با شماره تلفن ۲۰۴۳۰۴۰۳ (۰۲۶) تماس مراجعه نمایند.

۶-**محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادات:** دبیرخانه سازمان میباش.

۷- مهلت ارائه و تحویل اسناد: حداکثر ۱۰ روز کاری از تاریخ درج آگهی میباشد.

۸- داشتن معرفی نامه همراه مهر و امضاء مدیر عامل شرکت هنگام خرید اسناد مزایده الزامی میباشد.

۹- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده مندرج شده است .

۱۰-مالیات بر ارزش افزوده به عهده مستاجر بوده و به مبلغ کل قرارداد اضافه خواهد شد.

۱۱- هزینه چاپ دو آگهی تومان و کارشناسی رسمی دادگستری به عهده برنده مزایده میباشد .

**امور قرارداده‌ا و روابط عمومی –سازمان سیما،منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج**



## با صرفه جویی در مصرف برق به پیشرفت تکنولوژی کشور کمک کنیم

